

بسم الله الرحمن الرحيم

رقابت امریکا و چین منجر به فاجعه شده و آینده را اسلام رقم خواهد زد

مقالات



(ترجمه)

کشمکش‌ها بین دولت‌ها یک مسئله طبیعی و اجتناب ناپذیر است، زیرا اختلاف منافع بین مردم و ملت‌ها واقعیتی است که قابل تغییر نیست. مبارزه مردم بر سر منافع، چه منافع خصوصی و چه منافع عمومی، همواره تداوم داشته و هرگز از بین نمی‌رود؛ زیرا تفاوت افکار و اختلاف مفکوره‌ها نیز مسئله طبیعی و اجتناب ناپذیر است. بنابر این ناگزیر باید کشمکش‌ها بالای افکار، شیوه‌های زندگی و منافع بین مردم، یعنی بین برخی دولت‌ها با برخی دیگر، وجود داشته باشد، اما این کشمکش‌ها با اشکال متفاوت ایجاد می‌شود، برخی جنبه سیاسی دارد؛ رقابت‌های تجاری و مالی که همیشه بین افراد و دولت‌ها مشاهده می‌شود، گاهی این رقابت‌ها به کشمکش تبدیل شده و این کشمکش به جنگ تبدیل می‌شود؛ اگرچه مردم طبیعتاً از جنگ متنفرند و سعی می‌کنند مشکلاتشان را از راه‌های مسالمت‌آمیز حل کنند، اما ناگزیر بر آن چه از آن متنفرند وادار می‌شوند. بنابراین، جنگ بین مردم مسئله است اجتناب ناپذیر، مردم و هم‌چنین دولت‌ها هر قدر سعی کنند از این جنگ‌ها دوری کنند، ناموفق خواهیم بود، چون آخرین دارو داغ کردن است.

با روی کار آمدن جو بایدن رئیس جمهور امریکا و اشغال کرسی ریاست جمهوری ایالات متحده امریکا توسط آن، به نظر می‌رسد که سیاست امریکا در قبال چین مسیر دیگری را در پیش گرفته است، طوری که با آن چه واشنگتن در دوره دونالد ترامپ، رئیس جمهور سابق امریکا دنبال می‌کرد، متفاوت است. تفاوت در این است که امریکا در دوران بایدن معتقد به رقابت با چین است، بایدن بر این اشاره نمود که وی در حال حاضر جنگ تجاری آغاز شده توسط اداره ترامپ را ادامه خواهد داد، اما با گردآوری و بسیج متحدان، نیروها و قوای دیگری، لذا بلینکن را که طرف وضع تحریم‌ها علیه چین را داشت، به عنوان وزیر امور خارجه منصوب نمود. وی در مقابل کمیته روابط خارجی سنا اعلام کرد: «شکی نیست که چین بزرگترین چالش ما نسبت به هر کشور دیگری است. اما این یک چالش بسیار پیچیده است و اینکه امریکا باید تقارب با چین را از یک منبع قوی آغاز کند، نه از منبع ضعیف و این‌که: همکاری و

یک جا کار نمودن با متحدان و مشارکت با نهادهای بین المللی بخشی از این منبع قوی است. (منبع: خبرگزاری آناتولی ۲۰۲۱/۱/۲۰ میلادی)

امریکا به وضوح ترس خود را از توسعه چین ابراز کرده و بایدن به صراحت چنین بیان داشت: «اگر ما نجنبیده و اقدامی نکنیم، چینی‌ها ناهار/غذای چاشت ما را خواهند خورد. آن‌ها تلاش‌های گسترده و جدیدی در زمینه راه آهن روی دست دارند... چین در حال پیشرفت سریع در زمینه تکنالوژی موترهای برقی می‌باشد.» وی گفت که در روز چهارشنبه ۲۰۲۱/۲/۱۰ میلادی، با شی جین پینگ، همتای چینی خود، دو ساعت در مورد بسیاری از مسائل از جمله حقوق بشر، تجارت و امنیت صحبت کرده است. جن ساکی، سخنگوی روزنامه‌ای کاخ سفید، گفت: «من به این باورم که دیدگاه رئیس‌جمهور این است که ما با چین وارد یک رقابت می‌باشیم، ایشان می‌خواستند مورد عمق این چالش وضاحت دهند.» (منبع: وال استریت ژورنال، ۱۲ فبروری ۲۰۲۱ میلادی)

بناء می‌توان توجه زیاد امریکا به چین را در دو جنبه متناقض و مکمل مورد بررسی قرار داد:

اولاً در چسپیدن امریکا به چهار ضلعی مواضع سخت‌گیرانه در قبال چین، با توجه به این که امریکا می‌ترسد موقعیت خود را در میدان زعامت و رهبری جهانی از دست بدهد. چون چین با امکانات ضخیم اقتصادی که در اختیار دارد، تهدید اساسی برای امریکا و منافع آن می‌باشد. چین رقیبی است که دندان‌های خود را در برخی موقعیت‌ها نشان داده و گاهی پنهان می‌نماید.

دوم: امریکا با توجه به این آگاهی که دفاع از اصول و ایدئولوژی‌ها را نمی‌توان از خطرات جهان جدا کرد، تلاش می‌کند روابط و همکاری‌های بین دو کشور را بهبود بخشد.

رقابت بین امریکا و چین منجر به فاجعه می‌شود:

هر کشوری که داری قدرتی و یا کدام توانایی باشد، سعی می‌کند از قدرت خویش استفاده کرده کشمکش‌ها را برای منافع خویش پایان دهد، اما سیاستمداران امریکایی به خوبی دریافته اند که نتیجه این کشمکش ممکن است برای امریکا عواقب ناگواری در پی داشته باشد. یک محقق امریکایی نسبت به وخامت روابط امریکا و چین ابراز نگرانی کرده چنین می‌گوید: «امریکایی‌ها نمی‌دانند بدترین نتیجه چه خواهد بود.» راجان مینون، استاد روابط بین‌الملل در سیتی کالج نیویورک، در مقاله‌ای که برای وب سایت روزنامه‌نگاری لاس آنجلس تایمز، نوشته بود، چنین می‌گفت: «اکثر دموکرات‌ها و جمهوری خواهان ایالات متحده موافق اند که چین بزرگترین رقیب امریکا است. با این حال، مردم از قیمتی که جنگ می‌تواند بر دو کشور تحمیل نماید، تصور روشنی ندارند.» مینون (که یکی از همکاران موسسه کوپنسی و موسسه مطالعات جنگ و صلح سالترمان، دانشگاه کلمبیا، نیز است) هشدار داد که «ایالات متحده و چین، در صورتی که بدون هیچ توجهی به منافع مشترک، رقابتی که در میان شان است شدت پیدا کرده و در نهایت منجر به جنگ شود، متحمل خسارات جانی و مالی زیادی خواهند شد.» وی بیان داشت که چین و امریکا هر دو ابزاری در اختیار دارند که راه اندازی حملات سایبری یکی به سیستم‌های مالی دیگری را ممکن می‌سازد. وی افزوده گفت که تکان‌ها و پس لرزش‌های ناشی از تصادم امریکا و چین به سرعت اقتصاد جهانی را در بر می‌گیرد. این پروفیسور ابراز امیدواری کرد که رهبران

امریکا و چین بتوانند "برای جلوگیری از تبدیل شدن مانورهای نظامی و مشاجرات لفظی، به جنگ" با یکدیگر همکاری کنند. (منبع: عربیک نیوز، ۲۰۲۱/۱۱/۲۶ میلادی)

مجله فورین افیرز مقاله‌ای از نویسنده بنام وانگ جیسی منتشر کرد، که وی در آن مقاله به این نظر بود، که چین به این باور است که امریکا شروع کننده خصومت است و امریکا به این دید است که چین شروع کننده خصومت است. وی به این نظر بود که این رقابت که ممکن است به کشمکش تبدیل شود، تا زمانی که هریک از طرفین به منافع طرف مقابل احترام نمی‌گذارد، این کشمکش ادامه خواهد داشت. وی در این مقاله بیان داشت: امریکا و چین در رقابتی فرورفتند، که یکی از قوی‌ترین رقابت‌های بین‌المللی در طول تاریخ شماره خواهد شد و در هر دو کشور این ترس در حال افزایش است که این رقابت شاید به کشمکش تبدیل شود. چنانچه در دهه گذشته، در واشنگتن درباره اهمیت ایستادگی در برابر پکن اتفاق نظر و اجماع عمومی صورت گرفت، که در دوران دولت ترامپ به اوج خود رسید.

دولت بایدن به این نتیجه رسیده است که چین "تنها رقیب بالقوه‌ای است که می‌تواند اقتصاد، دیپلماسی، قدرت نظامی و فناوری را برای به چالش کشیدن نظم بین‌المللی آزاد و باثبات، در گرد یک میز بنشانند." بسیاری در واشنگتن استدلال می‌کنند که این اجماع قاطع نتیجه‌ای یک سری اقدامات تهاجمی دشمنانه است، استدلال می‌کنند، این چین است که ایالات متحده را مجبور به این موقف‌گیری دوراندیشانه نموده است.

حزب کمونیست چین تأکید می‌کند که روابط دوجانبه باید تابع اصول عدم درگیری، عدم تقابل، احترام متقابل و همکاری برد-برد باشد؛ چیزی که شی جین‌پینگ در اولین گفتگوی تلفنی خود با بایدن در فیبروری ۲۰۲۰ درباره آن صحبت کرد. چین نیز مانند امریکا از بیانیه‌ها و خطابه‌های خصمانه امریکا نسبت به خود می‌ترسد و معتقد است که امریکا بزرگترین تهدید خارجی برای امنیت ملی، حاکمیت و ثبات داخلی آن است. از نظر چین، این ایالات امریکا است که این خصومت را آغاز کرده است، مخصوصاً این که حزب کمونیست چین معتقد است امریکا حملاتی را راه‌اندازی نموده است که از دهه‌ها پیش آغاز شده است. امریکا همواره به دخالت در امور داخلی چین و تضعیف حزب حاکم ادامه می‌دهد. یانگ جیچی، یکی از اعضای کهنه کار دفتر سیاسی و دیپلوماسی چین، در نشست سطح عالی ایالات متحده و چین در آلاسکا شرکت و در آن علناً مقامات امریکایی حاضر را به دلیل صحبت خود برتر بینانه و تحقیرآمیز با چین، مورد سرزنش قرار داد و تأکید داشت که ایالات متحده از این صلاحیت برخوردار نیست که با چین از موضع قدرت صحبت کند.

برای کسانی که حوادث دو کشور را دنبال می‌کنند، واضح می‌باشد که این دو کشور خواهان رویارویی مستقیم نیستند. بنابراین، هر یک از طرفین به دنبال آرام کردن طرف مقابل خود است، و این یک وضعیت عادی می‌باشد، از این جهت که هر دو نظام فاقد دیدگاه و چشم انداز روشنی برای رهبری بشریت و خروج از گلون شیشه‌ای نظام سرمایه داری هستند؛ نظامی که جهان را در چرخه بحران‌های سیاسی، اقتصادی و صحتی و بهداشتی خویش فرو برده است؛ بحران‌های که آخرین آن به عنوان وپروس کووید-۱۹ شناخته می‌شود و هر یک از طرفین طرف دیگر را به حیث عامل این فاجعه متهم می‌کند.

امریکا در مذاکرات خویش با چین مستقیماً آن را تحت فشار قرار می‌دهد. در نشست‌هایی که بین وزارت‌های خارجه دولت امریکا و چین در آلاسکا در ۱۸ مارچ ۲۰۲۱ برگزار شد، آنتونی بلینکن، وزیر امور خارجه امریکا در آن گفت: «اقدامات چین نظم مبتنی بر قوانین ضامن ثبات جهانی را، تهدید می‌کند.» وی افزود: «ما نگرانی‌های عمیق خود در مورد چین در سین کیانگ (ترکستان شرقی)، هانگ کانگ و تایوان و همچنین حملات سایبری علیه ایالات متحده و اجبار اقتصادی علیه متحدان ما ... را مورد بحث قرار خواهیم داد، هر یک از این اقدامات، نظم مبتنی بر قوانین حافظ ثبات جهانی را، تهدید می‌کند.» در عین حال یانگ جیچی، مقام خارجی حزب کمونیست چین، پاسخ داد: چین قاطعانه مداخله امریکا در امور داخلی چین را رد می‌کند... ما مخالفت شدید خود را با چنین مداخلاتی اعلام کرده ایم و در پاسخ به آن‌ها، اقدامات قاطعانه ای انجام خواهیم داد و آنچه باید انجام شود. این است که ذهنیت جنگ سرد را کنار بگذاریم.» (منبع: رویتر ۲۰۲۱/۳/۱۹ میلادی)

در ۳ مارچ ۲۰۲۱م، دولت بایدن وثیقه راهنمای استراتژیک موقت امنیت ملی ایالات متحده را اعلام کرد که به موضوعات مربوط به مسئله امنیت جهانی و اولویت‌های امنیت ملی ایالات متحده مرتبط بود. این وثیقه شامل ۲۴ صفحه است که اولین دستورالعمل رسمی را شکل می‌دهد که از اداره بایدن صادر می‌شود. این وثیقه برجسته‌ترین چالش‌ها و منابعی که امنیت ملی را در سطح جهانی به خطر مواجه می‌سازد، ارائه می‌کند، از جمله این چالش‌ها رقابت چین و روسیه است.

چین موضوع محوری:

سند مؤقت راهنمایی استراتژی امنیت ملی، ضرورت همکاری ایالات متحده با جهان را بیان می‌کند و با این سیاق مهم‌ترین آزمون ژئوپلیتیکی امریکا در قرن بیست و یکم رابطه این کشور به عنوان یک قدرت بزرگ با چین است. این رابطه عموماً به صورت رقابتی، در صورت لزوم همکاری و گاهی خصمانه دیده می‌شود. بایدن در این چهار چوب بر لزوم تعامل با چین از موضع قدرت تأکید می‌کند. (منبع: دکتر کریستین الکساندر)

اساسات و مبانی سیاست امریکا بر این موارد استوار است:

- حفاظت و دفاع از امریکا در برابر هر خطری که آن را تهدید می‌کند، یا ممکن است آن را تهدید کند.
- استثمار مردم و ملت‌ها برای تأمین منافع امریکا.

این دو مورد اساساتی هستند که هیچ تغییر و تعدیلی در آن‌ها محتمل نیست و سیاست امریکا فقط و فقط بر اساس آن‌ها بنا می‌شود.

- قبل و بعد از جنگ جهانی دوم، نیمی از کره غربی در حمایت کشورهای دیگر و موجود در جهان قدیم/باستان (اروپا) قرار داشت، اما پس از ضربه زدن و تضعیف دولت اسلامی، تنها اروپا در جهان قدیم باقی ماند.

- با تجدید حوادث، موقف‌ها و شرایط، سیاست امریکا بر این است که ظواهر، اشکال، ابزار و اسالیب سیاست خویش را تغییر دهد. اما اساس سیاسی آن ثابت مانده و هیچ گاه تغییر نمی‌کند، آن عبارت از چهره استعماری و نظام حکومتی سرمایه‌داری آن است؛ نظامی که بر سرمایه‌داران استوار بوده و دولت را کارفرمای ثروتمندان و صاحبان سرمایه‌های عظیم قرار داده است؛ روشی که امریکا آن را از سال ۱۹۴۷ میلادی بدین سوی رو دست گرفته است.

آینده از آن امت است:

کسی که به اوضاع جهان و فجایع ناشی از نظام جهانی امریکایی، که کشتی در حال غرق‌اش را امریکا رهبری می‌کند، می‌نگرد، می‌بیند که امواج این کشتی را به راست و چپ پرت می‌کند و اسباب فروپاشی قریب الوقوع، نظام سرمایه‌داری گسترده و افزوده شده است، طوری که مفکرین غربی را نسبت به شرایط آینده دچار ترس و وحشت شدید نموده و اعلان فوتی نظام سرمایه‌داری آماده شده است. آن‌ها فقط در انتظار قرائت این اعلان فوتی هستند؛ اعلان فوتی نظامی که به دنبال آن تمدنی جدید با مفاهیم کاملاً متفاوت از نگاه آن به جهان، انسان و زندگی متولد خواهد شد.

نظام سرمایه‌داری که سه قرن بر جهان ستم‌گرانه مسلط بود، ناتوانی آن در حل مشکلات تازه وجدید جهان نمایان گردید، و مصیبت‌های این نظام بزرگ شده و گسترش یافت. دولت اول جهان که ایدیولوژی سرمایه‌داری را برای اداره جهان تبنی کرده بود، اینک دچار ضعف، سستی و ناتوانی شده است. حال دلیل این ضعف آن علل خارجی یا داخلی می‌باشد، مانند آنچه در انتخابات ریاست جمهوری ایالات متحده امریکا رخ داد، هواداران دونالد ترامپ، رئیس جمهوری که در پایان دوره کاری خویش قرار داشت، به ساختمان کنگره امریکا هجوم آوردند، همان‌طور حوادث و شورش‌هایی که با این زد و بندها همراه بود؛ طوری که در آن زمان مفکرین غربی در مورد دیموکراسی و سرنوشتی آن در حفرشده‌ترین گودال آن، نوشته‌های را به دست نشر سپردند. روزنامه دیلی تلگراف نوشته‌ای را از نیک آلین از واشتن تن تحت عنوان " بسیج خشمگینانه و حمله بر ساختمان کنگره امریکایی، منعکس کننده تمایل ترامپ برای قدرت به هر قیمتی است" به نشر رساند که وی در آن چنین می‌گوید: «تصاویر هجوم جمعیت خشمگین به ساختمان کنگره امریکا، میراث دونالد ترامپ را برای همیشه لکه‌دار خواهد کرد و یکی از تاریک‌ترین لحظات در تاریخ سیاسی مدرن امریکا را نشان می‌دهد.» او افزود: «همزمان با این که حامیان او از دیوارهای دژ مقدس دیموکراسی امریکایی بالا می‌رفتند، بسیاری از امریکای‌های که این صحنه را از تلویزیون در سراسر کشور تماشا می‌کردند، شوک زده، وحشت کرده و منزجر شدند.»

این واقعیت دیموکراسی است؛ نظامی که دیگر بدی‌های شرم‌آور آن برملاء، دروغ و نیرنگ آن و آنچه که پنهان می‌کرد آشکار شده، دیگر حقایق آن برای امت پوشیده نیست. به این ترتیب، نظام سرمایه‌داری دیموکراسی قبل از تشیع آن برای مدفون شدن در مقبره‌اش، زباله‌دانی تاریخ، نفس‌اخیر خویش را می‌کشد، لذا امریکا از این واقعیت تازمانی که موجب قضای الله سبحانه و تعالی سر رسید، هم‌چنان رنج می‌برد. تمام دولت‌های سرمایه‌داری در مقابل ویروس کرونا شکست خورده و برای جهان و جهانیان هیچ گونه معالجه پیش‌کش ننمودند؛ چون کسی که چیزی را نداشته باشد چگونه اعطایش کند، بلکه در مقابله با این ویروس اوضاع هر روز بدتر و بدتر شده روان است. این به این دلیل است که مفکوره غربی محروم از تولد ایده‌های فوق‌العاده، بارور، پر خیر و برکت و

سازنده است. عواملی که باعث می‌شود نظم جهانی به تدریج به سوی فروپاشی کامل نظام سکولاری دموکراتیک نزدیک شود، بسیار است، اما در مورد بارزترین این عوامل اوج حوادث و رویدادهای جاری، هم‌چنان در مورد انتظار مردم برای نظامی که چهره تاریخ را تغییر خواهد داد و این که پس از این نظام بدیل چه خواهد بود صحبت خواهیم کرد.

نظام سرمایه‌داری که محصول مفکوره سازشی حل وسط یعنی جدایی دین از زندگی است، انسان را قانونگذار می‌داند، در حالی که انسان هر چقدر هم عقل و رشد درک آن بالا باشد، باز هم محدود است. بنا براین، لازم است مشتاقان بیداری در جستجوی نظام جامع و کاملی باشند، نظامی که همه شرایط و حوادث را در برگیرد، نظامی از سوی خالق هستی، انسان و حیات، الله سبحانه و تعالی، شارع و قانون‌گذار حقیقی؛ کسی که می‌داند چه چیزی به ضرر انسان است و چه چیزی به نفع آن، به دلیل شکست نظام سرمایه‌داری و مرگ کمونیسم، اسلام تنها امید مستضعفان، محرومان و دست و پای بسته‌های جهنم این نظام‌ها است. بلی، دولت خلافت راشده در راه است! انشاءالله به تنهای قادر به نجات جهان از شر سرمایه‌داری است. امت اسلامی هم‌چون خلفایی که سیزده قرن جهان را رهبری نمودند، اینک نیز برای رهبری دوباره جهان از آماده‌گی کامل برخوردار بوده و توانایی آن برای این کار از آتش روشن فعال‌تر و از هر زمان دیگری که بر امت گذشته است، اکنون شرایط بیشتر فراهم است. این درحالی می‌باشد که ما به وعده‌ای که الله سبحانه و تعالی برای بندگان مؤمن خویش داده است، اطمینان داریم، الله سبحانه و تعالی چنین می‌فرماید:

﴿وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَلَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا﴾ [سوره نور آیه ۵۵]

ترجمه: الله به کسانی از شما که ایمان آورده‌اند و کارهای شایسته انجام داده‌اند، وعده می‌دهد که آنان را قطعاً در زمین خلیفه و جایگزین خواهد داد، همان گونه که پیشینیان را جایگزین قبل از خود کرده است. هم‌چنین آئین ایشان را که برای آنان می‌پسندد، حتماً پابرجا و برقرار خواهد ساخت، و نیز خوف و هراس آنان را به امنیت و آرامش مبدل می‌سازد.

یک و صد و یک سال است که از سرنگونی دولت خلافت توسط کفار می‌گذرد؛ در حالی که رسول الله صلی الله علیه و سلم باز گشت آن را چنین بشارت داده است:

«تَكُونُ النَّبُوءَةُ فِيكُمْ مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ تَكُونَ ثُمَّ يَرْفَعَهَا إِذَا شَاءَ أَنْ يَرْفَعَهَا ثُمَّ تَكُونُ خِلَافَةٌ عَلَيَّ مِنْهَاجِ النَّبُوءَةِ فَتَكُونُ مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ تَكُونَ ثُمَّ يَرْفَعَهَا إِذَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ يَرْفَعَهَا ثُمَّ تَكُونُ مُلْكًا عَاصًا فَيَكُونُ مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ يَكُونَ ثُمَّ يَرْفَعَهَا إِذَا شَاءَ أَنْ يَرْفَعَهَا ثُمَّ تَكُونُ مُلْكًا جَبْرِيَّةً فَتَكُونُ مَا شَاءَ اللَّهُ أَنْ تَكُونَ ثُمَّ يَرْفَعَهَا إِذَا شَاءَ أَنْ يَرْفَعَهَا ثُمَّ تَكُونُ خِلَافَةٌ عَلَيَّ مِنْهَاجِ النَّبُوءَةِ»
ثُمَّ سَكَتَ (مسند أبي داود الطيالسي)

ترجمه: نبوت در بین شما است تا زمانی که الله (سبحانه و تعالی) بخواهد سپس آن را از میان بر می‌دارد تا زمانی که بخواهد، سپس خلافت بر منهج نبوت را می‌آورد و خلافت بر منهج نبوت می‌باشد تا وقتی بخواهد، سپس آن را بر می‌دارد آن وقتی که الله

(سبحانه و تعالی) بخواهد، سپس پادشاهان به دندان گیرنده می باشد و تازمانی که الله (سبحانه و تعالی) بخواهد می باشد، سپس آنان را نیز بر می دارد زمانی که بخواهد سپس پادشاهان جبریه می آید پس آنها می باشند تا زمانی که الله (سبحانه و تعالی) آنان را بردارد سپس خلافت بر منهج نبوت می باشد، سپس رسول الله صلی الله علیه وسلم سکوت نمودند.

امروز امت به خیانت حکام، مزدوری و غفلت آنان در برابر مقدسات امت و مشارکت آنان در مبارزه دشمن در برابر بازگشت اسلام به سکان حکومت و دولت، پی برده است، ما قیام امت را علیه حکام و عزل آنان را توسط امت فراموش نمی نماییم؛ چیزی که لرزه به اندام غرب انداخته و برای خاموش سازی انقلاب های امت شروع به دسیسه چینی و توطئه نمود. اما الحمدلله آرزوی شان به باد رفت، چون امت از خروش خویش دست برنداشته و تا دولت خویش دولت خلافت راشده بر منهج نبوت را به اذن الله برپای ندارد، آرام نخواهد گرفت، تصویر برای تکمیل شدن اش انتظار می کشد، تا این که فرزندان امت هر یکی بر حسب توان خویش در راستای برپایی این دولت سخت کار نماید. قسمت بزرگ این بار بر دوش علماء، اندیشمندان، واعظین و خطباء و اصحاب رسانه است. امت باید با حزب التحریر همگام شود! با پیشگامان دعوت به سوی خلافت؛ کسانی که امید امت برای نجات و بازگرداندن افتخارات از دست رفته امت است. حزب التحریر به رهبری امیر خود، عالم برجسته، عطا بن خلیل ابوالرشته، مجهز با دولت مردان شایسته، کاملاً آماده است، قانون اساسی دولت را تنظیم و آن را طوری گردآوری نموده که از روز اول قیام دولت نوپا، قابل اجراء می باشد. ای لشکریان/اردوهای مسلمانان! کدام یک از شما افتخار نصرت حزب التحریر و بیعت با خلیفه مسلمین را کمایی می کند، و در آن هنگام است که مؤمنان به نصرت الله سبحانه و تعالی شادی می کنند؟!

برگرفته از شماره ۴۲۹ مجله الوعی_سال سی و هفت

نویسنده: عبد السلام إسحاق

عضو دفتر مطبوعاتی حزب التحریر-ولایه سودان

مترجم: علی مطمئن